

موضوع:

احکام: ع ۳ (فقه و حقوق: ۲۴۸)

گروه مخاطب:

تخصصی (طلاب و دانشجویان)

شماره کتاب: ۱۳۲۱

مسلسل انتشار: ۲۴۴۴

آثار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی/ ۲۲۲

نراقی، مهدی بن ابی ذر، ۱۱۲۸ - ۱۲۰۹ ق.

انیس التجار / ملا محمّد مهدی نراقی: تحقیق پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، واحد احیاء آثار اسلامی. - قم: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۳.
۲۲۲ ص. - نمونه. - (بوستان کتاب قم؛ ۱۳۲۱. آثار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی؛ ۲۲۲)
(احکام؛ ۳۴. فقه و حقوق: ۲۴۸)

ISBN 964 - 371 - 772 - 0: ریال: ۳۶۰۰۰

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

Mollā Moḥammad Mahdī Narāqī, Anīs u-Tujār

ص. ع. به انگلیسی:

[The Islamic Moral Rules in the Commercial Affairs]

کتابنامه: ص. [۳۹۵] - ۳۹۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.

۱. معاملات (فقه). الف. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
واحد احیاء آثار اسلامی. ب. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. مؤسسه بوستان کتاب قم. ج. عنوان.

۲۹۷/۳۷۲

الف ۱۹۰ / ن ۱۸ BP

انیس التجار

ملاً محمد مهدی نراقی قدس سره

تهیه و تحقیق: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

واحد احیاء آثار اسلامی

بیت

۱۳۸۳

بوشنج کتب

انيس التجار

• نویسنده: ملا محمد مهدی نراقی

• تهیه و تحقیق: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، واحد احیاء آثار اسلامی

• ناشر: مؤسسه بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)

• لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه دفتر تبلیغات اسلامی • نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۳

• شمارگان: ۱۲۰۰ • بها: ۳۶۰۰ تومان

تمامی حقوق © محفوظ است

printed in the Islamic Republic of Iran

✓ دفتر مرکزی: قم، خ شهدا (صفقابه) مؤسسه بوستان کتاب قم، ص پ ۹۱۷، تلفن: ۷۷۲۲۱۵۵، نمابر: ۷۷۲۲۱۵۴

✓ فروشگاه مرکزی: قم، چهارراه شهدا (ساحل عرقه ۱۲۰۰۰ عنوان کتاب با همکاری بیش از ۱۷۰ ناشر)، تلفن: ۷۷۲۲۴۲۶

✓ فروشگاه شماره ۲: تهران، خ انقلاب، خ فلسطین جنوبی، کوچه دوم (پنن)، پلاک ۲/۲، تلفن: ۶۴۶۰۷۳۵

✓ فروشگاه شماره ۳: مشهد، چهارراه خسروی، خ آزادی، مجتمع یاس (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی)، تلفن: ۲۲۳۳۶۷۲

✓ فروشگاه شماره ۴: اصفهان، خ حافظ، چهارراه کرمانی، گلستان کتاب (دفتر تبلیغات اسلامی شعبه اصفهان)، تلفن: ۲۲۲۰۴۷۰

پست الکترونیک: E-mail: bustan@bustaneketab.com

جدیدترین آثار مؤسسه و آشنایی با آن در وب سایت:
<http://www.bustaneketab.com>

درآمد

حفظ و بازشناسی میراث علمی برجای مانده از پیشینیان و معرفی آن به جامعه علمی و پژوهشی و نسل‌های حال و آینده، از اهداف و رسالت‌های مهم حوزه‌های علمیه محسوب می‌شود و بی‌شک هرگونه تلاش در دستیابی به این هدف، تأثیری شگرف در بالندگی و غنای دیگر فعالیت‌های پژوهشی و علمی خواهد داشت.

با وجود قدم‌های بلندی که به ویژه پس از انقلاب شکوهمند اسلامی، در راه تصحیح و نشر آثار و دست‌نوشته‌های مهجور و ناشناخته بزرگان علم و فرهنگ شیعی برداشته شده است، اما تا دستیابی کامل به این هدف، فاصله‌ای پس دراز باقی مانده و بسیاری آثار و دست‌نوشته‌های چاپ نشده‌ای که جز برخی صاحب‌نظران و اندیشوران، عموم پژوهشگران و دانش‌جویان علوم اسلامی، از آنها بی‌بهره بوده و حتی نام و نشانی از آنها نمی‌دانند.

مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی با در نظر گرفتن این رسالت و در راستای نیل به اهداف بلند حوزه‌های علمیه و تلاش در راه تسهیل امر پژوهش، بیش از پانزده سال است که با تأسیس «واحد احیاء آثار اسلامی» توانسته است بر اساس اولویت‌ها، نیازها و توانمندی‌های موجود، بیش از پنجاه مجلد از آثار سترگ سلف صالح را تصحیح و تحقیق و به زیور طبع آراسته نماید. خوشبختانه بسیاری از این آثار، حائز رتبه و امتیازهای بالایی در جشنواره‌های مختلف علمی شده‌اند، و از آن جمله کتاب «رسائل الشهيد الثاني» است که به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۱ شناخته شد.

شایان ذکر است که یکی از محورهای پژوهشی این واحد، احیاء و تصحیح مجموعه آثار شخصیت‌ها است و مجموعه «آثار فاضلین نراقی» از آن جمله می‌باشد. در آستانه برگزاری کنگره بزرگداشت ملامهدی و ملا احمد نراقی، اواسط سال ۱۳۸۰ بود که تصحیح و نشر برخی از آثار آن بزرگواران، به «واحد احیاء آثار اسلامی» واگذار گردید و پس از مطالعات و بررسی‌های اولیه و تعیین اولویت‌ها، در نهایت هشت عنوان از تألیف‌های فقهی، اصولی و کلامی ایشان تعیین و تصحیح آنها از

اوایل سال ۱۳۸۱ به طور جدی دنبال گردید، که عبارتند از:

۱. سیف الأمة وبرهان الملة / کلام / ملا احمد
۲. تحفة رضویة / فقه فارسی / ملا مهدی
۳. تذکرة الأجباب / فقه فارسی / ملا احمد
۴. انیس التجار / فقه فارسی / ملا مهدی
۵. انیس المجتهدین / اصول فقه / ملا مهدی
۶. اساس الأحکام / اصول فقه / ملا احمد
۷. مناهج الأحکام / اصول فقه / ملا احمد
۸. مفتاح الأحکام / اصول فقه / ملا احمد

در میان این آثار، تنها دو عنوان آن «سیف الأمة» و «انیس التجار» چاپ حجری، آن هم مفلوط و کم یاب داشته و مابقی مخطوط بوده است.

به لطف عمیم الهی و تحت عنایات و توجّهات حضرت ولیّ عصر ارواحنا فداء، و به همت والای پژوهشگران مدقّق و فرهیخته حوزه علمیه، این مهمّ در کمتر از دو سال صورت پذیرفت و کتاب حاضر، «انیس التجار»، چهارمین دفتر از این مجموعه است که تقدیم فضلا و اندیشوران حوزه های علمیه و همه جوامع علمی و فکری می شود.

در اینجا جای دارد از همکاری جناب حجة الاسلام سید مهدی حسینی، در تصحیح و تحقیق اثر حاضر و نیز شورای پژوهشی و کلیه محققان ارجمند واحد احیاء آثار اسلامی، به خصوص مدیر محترم این واحد، جناب حجة الاسلام و المسلمین سید مهدی طباطبائی که نظارت علمی و ویرایش اثر حاضر را بر عهده داشته است، تقدیر و تشکر شود.

توفیق روز افزون همه احیایران میراث اسلامی را از خداوند متعال مسألت نموده، علو درجات را برای ارواح طیّبة عالمان و اندیشوران بزرگ شیعی، بالأخصّ علامه ملا مهدی و ملا احمد نراقی، از خداوند متعال خواستاریم.

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

واحد احیاء آثار اسلامی

شعبان المعظم ۱۴۲۵ ق

سخنی درباره کتاب

ادیب، عارف، فقیه، حکیم و ریاضی‌دان شهیر و اندیشور قرن دوازدهم هجری، ملا محمد مهدی بن ابی ذر نراقی، از جمله شخصیت‌های جامع علمی است که همه آثار وی برآمده از ذوق سرشار علمی و آکنده از نوآوری‌های پس بدیع است، که مع الأسف جز معدودی از آنها، اغلب از معرض انتظار پژوهشگران و عالمان مخفی مانده و به صورت دست‌نوشته‌های مهجور، در کنج کتابخانه‌ها بوده، یا سالیان متمادی است که از چاپ سنگی آنها می‌گذرد.

بحمد الله برگزاری کنگره بزرگداشت مقام شامخ آن بزرگوار بهانه‌ای بود جهت بازخوانی و تصحیح و نشر آثار بیشماری که از وی بر جای مانده است، اثر حاضر یکی از آنها و در موضوع فقه می‌باشد.

درباره اثر حاضر

الف) موضوع و ابواب:

این اثر شامل کلیه ابواب معاملات می‌باشد که مؤلف در مقدمه کتاب، فهرستی اجمالی از رؤوس مطالب و فصل‌های آن ارائه کرده است. تجارت، قرض و دین، مضاربه، شرکت، وکالت، حواله، صلح، هفت باب اصلی کتاب می‌باشند.

ب) سبک تألیف:

مؤلف این اثر را به جهت نیاز عموم مردم به ویژه اهل تجارت تصنیف کرده است و در آغاز کتاب می‌نویسد: «... چون علم به مسائل تجارت از جمله لوازم و مهمات است، خصوصاً بر جماعتی که اشتغال به امر مذکور می‌دارند، لهذا این احقر را به خاطر قاصر رسید که مسائل تجارت را در این رساله جمع کنم، بر نهجی که از آیات کلام رب العالمین و اخبار ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین و اجماع علماء راشدین رضوان الله علیهم اجمعین و از سایر ادله و براهین مستنبط شده، امید که فایده او به کافه فرقه

ناجیه سَکَرُهم الله عاید شود».

ج) تاریخ تألیف و پیشینه کتاب:

تا آنجا که در تاریخ فقه و آثار فتوایی فارسی جستجو نمودیم، جز اثری از علامه وحید بهبهانی در احکام معاملات، نه به حجم و کمیت انیس التجار و نه سبک و روش آن، پیش و حتی پس از علامه نراقی کتابی را پیدا نکردیم. تاریخ فراغت از تألیف این اثر به سال ۱۱۸۰ در کاشان است که مؤلف در پایان کتاب یادآور شده که در این سال «وفور بیماری به حدی بود که کمتر کسی بود که مبتلا به بیماری نباشد».

د) شموله بیان مسائل:

کثرت فروع این کتاب به حدی است که حتی پژوهشگران در فقه استدلالی، به منظور ضبط و فهم فروع کتب مفصله بی نیاز از آن نیستند و همواره مورد مراجعه اهل فن بوده است. از سویی بیان روشن و سلیس، همراه با مثال‌های مختلف و گاهی در پاره‌ای از مسائل مهم با ذکر بیش از یک مثال و مصداق مبتلا به، مسأله را برای همگان، بخصوص عوام الناس و مقلدان کاملاً واضح می‌کند. مثال‌های کتاب گویای احاطه کامل مؤلف بر امور جاری در میان ارباب تجارت است و کثرت فروع و مسائل آن بیانگر تسلط وی بر فقه بخصوص مباحث معاملات و وقوف کامل بر آثار مبسوط فقهی است.

از دیگر امتیازات بارز این اثر تبویب و دسته‌بندی منطقی و سهل الوصولی است که در هر باب و به مقتضای مباحث ارائه شده است.

اگرچه این کتاب فتوایی است و برای مقلدان نگارش یافته، لکن کمتر مسأله‌ای را می‌یابیم که دیگر نظریه‌ها و فتاوی پیرامون آن بیان نشده باشد، البته به صورت مجهول و اغلب بدون ذکر نام افراد.

ه) اثر حاضر نزد متأخران:

با توجه به موضوع و سبک و جامعیت کتاب، همواره مورد توجه فقیهان متأخر از مؤلف بوده و بر آن حواشی مختلفی نگاشته شده است. از این قبیل است:

۱. حاشیه آقا سید محمد کاظم یزدی، صاحب عروة الوثقی، به سال ۱۳۱۷ چاپ سنگی شده است.
۲. حاشیه سید اسماعیل صدر، به سال ۱۳۲۹، همراه با حاشیه یزدی چاپ سنگی شده است.
۳. حاشیه شیخ عبد الکریم حائری یزدی، به سال ۱۳۵۰، همراه با حاشیه یزدی و سید اسماعیل صدر چاپ سنگی شده است.
۴. ذخیره الأبرار؛ تلخیص انیس التجار است. اثر محدث بزرگ حاج شیخ عباس قمی، مطابق با فتاوی

صاحب عروة الوثقی. این رساله ضمیمه جلد دوم غایب القصوی (ترجمه عروة الوثقی)، در سال ۱۳۳۰، در بغداد چاپ شده است.^۱

۵. مصباح الانیس؛ تعریب انیس التجار است، توسط حاج شیخ علی بن ابراهیم قمی (م ۱۳۷۱ ق)، به امر استادش سید اسماعیل صدر (۱۲۵۸-۱۳۳۸) به همراه فتاوی وی.^۲
در الذریعة (۶: ۲۶) می‌گوید: «فقد علقت علیها حواشی فتاویة كثيرة مختصرة، لاستحق الذكر مستقلاً».

(و) نسخه‌های چاپی و دست‌نوشته‌های کتاب:

کتاب حاضر سه بار در سالهای ۱۳۱۷، ۱۳۲۹، ۱۳۴۹ هجری قمری، با حواشی فقیهانی که پیشتر از آنها یاد کردیم چاپ شده است.

اما مهمترین نسخه‌های خطی و دست‌نویس آن عبارتند از:

۱. کتابخانه وزیری یزد، شماره ۱۰۱۷؛ تحریر آن ۱۲۰۷ و در زمان حیات مؤلف بوده و خط و مهر و اجازه مؤلف به محمد امین در پایان آن دیده می‌شود. (فهرست ۳: ۸۲۳).
۲. وزیری یزد، شماره ۳۳۴۰. از آخر ناقص (فهرست ۵: ۱۶۲۰).
۳. کتابخانه مدرسه شهید مطهری (سپهسالار)، شماره ۴۵۶، تحریر محمد اسماعیل بن محمد ابراهیم شیرازی سال ۱۲۴۵.

۴. کتابخانه مدرسه فیضیه، (فهرست ۲: ۱۴)، شماره ۱۵۴۶ بدون مشخصات.

۵. کتابخانه مجلس شورای اسلامی (فهرست ۱: ۲۷۴۷)، محمد رحیم، در شهر مراغه، ۱۲۳۰.

۶. کتابخانه دانشکده حقوق، (فهرست: ۲۰)، شماره ۱۸۵، سده ۱۳.

۷. کتابخانه مؤسسه احیاء میراث اسلامی - قم، شماره ۲۷۵، ربیع الأول ۱۲۲۵.

(ز) شیوة تصحیح کتاب:

۱. نسخه‌های مورد استفاده عبارتند از:

- الف و ب) چاپی سال ۱۳۱۷ (رمز الف)، و چاپی سال ۱۳۵۰ (رمز ب)، که پیشتر از آنها یاد کردیم.
ج) نسخه خطی کتابخانه وزیری، به شماره ۱۰۱۷، که به تأیید مؤلف رسیده است. این نسخه پس از

۱. ر.ک: الفوائد الرضویة: ۶۶۹؛ الذریعة ۱۰: ۱۳؛ شرح احوال و آثار: ۸۸.

۲. در الذریعة ۲۱: ۱۰۴ می‌گوید: «وفرغ من التعریب فی يوم الجمعة ۷ رمضان ۱۳۲۵ فی بلدة الکاظمية. رأیته بخطه عند مؤلفه».

اتمام کتاب به دستمان رسید و یکبار با آن مقابله و متن کتاب بر آن منطبق گردید.

۲. متن کتاب بر اساس نسخه‌های مذکور بازخوانی و تصحیح و موارد اختلاف نسخه‌ها در پی‌نوشت بیان شده است. در تقطیع عبارات و استفاده از علائم سجاوندی، سعی بلیغ بر حفظ مراد مؤلف و تسهیل در فهم عبارات بعمل آمده است، که البته در مورد نثرهای فارسی قدیمی کاری صعب و حساس می‌باشد.

۳. در نگارش واژه‌ها و عبارات و ترکیب‌ها، بدون دخل و تصرف در آنها، اسلوب امروزی آنها رعایت شده است.

۴. نقل قول‌های مؤلف تخریج و مستند شده است، اما نظریات و آرائی که به صورت مجهول و بدون ذکر نام افراد بیان شده، تخریج نشده است.

۵. حواشی آیات عظام: سید محمد کاظم یزدی، با عنوان «طباطبایی»، سید اسماعیل بن صدرالدین عاملی، با عنوان «صدر»، و شیخ عبدالحریم حائری یزدی، با عنوان «حائری»، تماماً بر اساس نسخه‌های چاپی که به تأیید و مهر ایشان رسیده، در ذیل کتاب ویرایش و تصحیح و ثبت شده است.

سید مهدی طباطبایی

فهرست مطالب

درآمد	۵
سخنی درباره کتاب	۷

باب اول: در تجارت

فصل اول: در ذکر بعضی از احادیث و اخباری که دلالت می‌کند بر فضیلت تجارت و بر مأمور بودن مردم به تحصیل روزی	۲۱
---	----

فصل دوم: در اقسام تجارت	۲۵
اقسام تجارت مکروه	۲۶
اول: صرافی کردن	۲۶
دوم: بنده فروشی کردن	۲۶
سیم: طعام فروشی کردن	۲۶
چهارم: کفن فروختن	۲۶
پنجم: فروختن گوشت (قصابی کردن)	۲۶
ششم: فروختن استخوان فیل	۲۶
هفتم: معامله کردن با مردمان دنی و فرومایه	۲۶
هشتم: فروختن و خریدن قرآن	۲۷
نهم: معامله کردن با ظالمین	۲۷
دهم: خرید و فروش کردن در میانه طلوع	۳۰

- ۳۰ یازدهم: فروختن املاک، هرگاه احتیاج به قیمت او نداشته باشد.
- ۳۱ دوازدهم: داخل شدن در خرید و فروش برادر مؤمن.
- ۳۲ سیزدهم: استقبال کاروان در بیرون شهر.
- ۳۲ چهاردهم: وکیل شدن از جانب اهل صحرا که به شهر می آید تا چیزی بفروشد.
- ۳۳ اقسام تجارت حرام.
- ۳۳ اول: خرید و فروش چیزهای نجس.
- ۳۷ دوم: خرید و فروش چیزی که دزدیده باشد.
- ۳۹ سیم: خرید و فروش چیزهایی که نمی توان از آنها انتفاع برد.
- ۴۲ چهارم: خرید و فروش چیزی که مقصود از او عمل حرام است.
- ۴۳ پنجم: فروختن مال وقف.
- ۴۳ ششم: خرید و فروش تریاقی که یک جزء آن زهر افعی یا شراب باشد.
- ۴۳ هفتم: خرید و فروش هر چیز مشتبهی که اصل در او حرمت باشد.
- ۴۴ اقسام چیزهای مشتبه.
- ۴۵ هشتم: فروختن چیزی که فروشنده در او خیانت کرده باشد.
- ۴۵ نهم: اگر کسی خواسته باشد که متاعی از شخصی بخرد، حرام است که غیری قیمت آن را زیاد کند.
- ۴۶ دهم: در یک معامله متاعی را به قیمت کمتری به نقد، یا به قیمت زیادتر به نسیه بفروشد.
- ۴۶ یازدهم: ربا.
- ۴۷ فصل سیم: در اقسام کسب ها و عمل ها.
- ۴۷ مسأله اولی: حرمت اعانتِ ظالمین کردن و متوجه امور ایشان شدن.
- ۴۷ مسأله دوم: حرمت غنا.
- ۴۸ مسأله سیم: حرام است اجرت گرفتن در عوض فعل واجب.
- ۴۹ مسأله چهارم: حرام است رشوه گرفتن از برای حکم کردن.
- ۵۰ مسأله پنجم: حرام است قمار کردن به جمیع اقسام او.
- ۵۰ مسأله ششم: حرام است یاد گرفتن سحر و کهنات و شعبده و قیافه.
- ۵۱ مسأله هفتم: حکم ساختن صورت ها و تمثال ها، و اقسام آنها.
- ۵۱ قسم اول: صورت مجسمه صاحب روح.

قسم دوم: صورت مجسمه غیر صاحب روح.....	۵۲
قسم سیم: صورت غیر مجسمه صاحب روح.....	۵۲
قسم چهارم: صورت غیر مجسمه غیر صاحب روح.....	۵۲
مسئله هشتم: حرام است آموختن و حفظ کردن کتاب های اهل ضلال.....	۵۲
مسئله نهم: حکم مشاطگی یعنی آرایش کردن زنان.....	۵۲
مسئله دهم: حرمت اجرت در عوض افعالی که نزد عقلا خالی از فائده باشند.....	۵۳
مسئله یازدهم: کراهت اجرت گرفتن در عوض جهانندن حیوان تر بر ماده.....	۵۳
مسئله دوازدهم: مکروه است کسب اطفال.....	۵۴
مسئله سیزدهم: حکم حجّامی کردن.....	۵۴
مسئله چهاردهم: کراهت زرگری کردن و ذبح کردن حیوانات.....	۵۴
مسئله پانزدهم: مکروه است جولایی کردن.....	۵۴
فصل چهارم: در احتکار.....	
مسئله اولی: حرمت یا کراهت احتکار؟.....	۵۵
مسئله دوم: آنچه احتکار بدان ثابت می شود.....	۵۵
مسئله سیم: چه وقت احتکار ثابت می شود؟.....	۵۵
مسئله چهارم: احتکار آنگاه حرام است که مردم محتاج به آن جنس باشند.....	۵۶
مسئله پنجم: جبر کردن محتکر بر فروختن طعام.....	۵۶
فصل پنجم: در آداب تجارت.....	
اول: تحصیل علم به مسائل تجارت.....	۵۸
دویم: سنت است که با همه خریداران و فروشندگان به یک نحو سلوک کنند.....	۵۹
سیم: چه وقت انتفاع نگرفتن از خریدار سنت است؟.....	۶۰
چهارم: استحباب مسامحه و سهل انگاری نمودن در خرید و فروش.....	۶۰
پنجم: آنچه هنگام خرید و فروش در وزن کردن سنت است.....	۶۰
ششم: هرگاه تاجر متاعی را بفروشد و خرنده متاع التماس فسخ آن معامله کند.....	۶۰
هفتم: هرگاه تاجری در نوعی از تجارت انتفاع کند، سنت است که باز مشغول همان تجارت شود.....	۶۰

- هشتم: استحباب مدح یا مذمت نکردن متاع هنگام فروختن و خریدن ۶۰
- نهم: کراهت خرید و فروش برای کسی که کیل یا وزن کردن را به خوبی نمی‌داند ۶۱
- دهم: مکروه است پیش از همه کس داخل بازار شدن ۶۱
- یازدهم: بعضی از دعا‌های هنگام خرید و فروش و تجارت ۶۱

فصل ششم: در عقد خرید و فروش و کیفیت جاری نمودن صیغه و شروطی که باید در صیغه

- خرید به عمل آید ۶۳
- مسألة اولی: مفهوم عقد خرید و فروش ۶۳
- اول: آیا باید صیغه خرید و فروش عربی باشد؟ ۶۳
- دوم: باید در صیغه لفظی مخصوص گفته شود که دلالت کند بر نقل ملک ۶۴
- مسألة دوم: کیفیت خرید و فروش کسی که گنگ یا لال باشد ۶۵
- مسألة سیم: صیغه خرید و فروش باید ماضی باشد ۶۵
- مسألة چهارم: تقدّم و تأخر صیغه ایجاب و قبول ۶۶
- مسألة پنجم: لزوم موافقت میان صیغه ایجاب و صیغه قبول ۶۷
- مسألة ششم: حکم معاطات ۶۷
- مسألة هفتم: شروط معتبر در متبایعین ۷۲
- اول: باید خریدار و فروشنده بالغ باشند ۷۲
- دوم: باید هر یک از فروشنده و خریدار عاقل باشند ۷۳
- سیم: باید هر یک از ایشان قصد خرید و فروش داشته باشند ۷۳
- چهارم: باید هر یک از ایشان به اختیار خود باشند ۷۳
- مسألة هشتم: احکام فضولی ۷۵
- فروع فضولی ۷۹
- اول: هرگاه صاحب مال خرید و فروش فضولی را تجویز کند ۷۹
- دوم: اگر صاحب مال و آنکه غرامت می‌کشد در قیمت روز تلف اختلاف کنند ۷۹
- سیم: هرگاه کسی که ولی اطفال نباشد مال ایشان را بدون اذن ولی ایشان بفروشد ۸۰
- چهارم: در اجازه، سکوت کافی نیست ۸۰
- پنجم: هرگاه کسی مال غیر را بر سبیل فضولی بفروشد و بعد از آن، فروشنده آن مال را از صاحبش بخرد ۸۰

- ششم: هرگاه جنسی به فضولی چند بار خرید و فروش شود ۸۰
- هفتم: اگر کسی مال غیر را به فضولی بفروشد و خریدار آن مال را به دیگری بفروشد ۸۱
- هشتم: هرگاه کسی قدری از مال خود و قدری از مال غیر را بدون اذن او بفروشد ۸۲
- نهم: هرگاه شخصی مال پدر خود را بدون اذن او بفروشد ۸۵
- دهم: وکیل در خرید و فروش تا زمان زنده بودن موکل می تواند مال او را بفروشد ۸۵
- یازدهم: جد و پدر، ولی اطفالند ۸۶
- دوازدهم: ولایت حاکم شرع یا امین از جانب حاکم شرع، در تصرف در اموال اطفال ۸۷
- سیزدهم: تصرف وصی در اموال وصیت کننده ۸۸
- فصل هفتم: دیگر شروطی که صحت خرید و فروش موقوف بر آنها است ۸۹
- شرط اول: مال فروخته شده باید مال خالص فروشنده باشد ۸۹
- مواضعی که می توان مال وقف را فروخت ۹۰
- اول: هرگاه در میان ارباب وقف نزاع شود در باب وقف ۹۰
- دوم: هرگاه مال وقف خراب و مضمحل شود ۹۰
- مواضعی که می توان کنیز ام ولد را فروخت ۹۰
- شرط دوم: آنچه خرید و فروش می شود نباید منفعت باشد ۹۱
- شرط سیم: باید آنچه خرید و فروش می شود معلوم باشد ۹۲
- مسئله اولی: جایز نیست فروختن آنچه کیل یا وزن می شود، بدون کیل یا وزن ۹۲
- مسئله دوم: هرگاه وزن یا شمردن صعوبت و اشکالی داشته باشد ۹۲
- مسئله سیم: صحیح است فروختن زمین و باغ به مشاهده ۹۳
- مسئله چهارم: جایز نیست فروختن شیر در پستان و ماهی در ریستان ۹۳
- مسئله پنجم: اگر آنچه خریده می شود دیده شود، دیگر احتیاج به بیان اوصاف نیست ۹۵
- مسئله ششم: مشک پاک است و جایز است خرید و فروش او ۹۵
- مسئله هفتم: اکتفای خریدار به اینکه جنسی را پیش از وقت خریدن دیده باشد ۹۷
- مسئله هشتم: معیار در شناختن جنسی که باید کیل شود یا وزن یا شمردن شود ۹۸
- مسئله نهم: هرگاه جنسی که فروخته می شود در ظرف باشد، می توان آن جنس را ۹۸
- مسئله دهم: هرگاه قیمت مشاهده نشود، باید به صفت، معین و معلوم شود ۹۹

- مسأله یازدهم: جایز است خریدن جزئی از جنس معلوم، بر سبیل مشاع ۱۰۱
- شرط چهارم: قدرت داشتن فروشنده بر تسلیم مبیع ۱۰۲
- حرمت مبیع و ثمن در معامله فاسد ۱۰۳
- فصل هشتم: در اقسام خیارات ۱۰۴
- خیار اول: خیار مجلس ۱۰۴
- مسأله اولی: فاصله‌ای که باعث جدایی خریدار و فروشنده نشود ۱۰۴
- مسأله دوم: اگر در ضمن العقد شرط نداشتن خیار مجلس کنند ۱۰۵
- مسأله سیم: هرگاه خریدار تصرف بکند در مبیع، خیار او برطرف می‌شود ۱۰۵
- مسأله چهارم: هرگاه بین خریدار و فروشنده حائلی ایجاد شود ۱۰۶
- مسأله پنجم: خیار مجلس در خرید و فروش تنها می‌باشد ۱۰۷
- مسأله ششم: هرگاه متبایعان بعد از صیغه خرید و فروش، در تفرق نزاع کنند ۱۰۷
- مسأله هفتم: هرگاه دو نفر وکیل باشند از جانب دو نفر دیگر که معامله بکنند ۱۰۷
- مسأله هشتم: هرگاه صیغه خرید و فروش را - هر دو - یک نفر بگوید ۱۰۹
- خیار دوم: خیار حیوان ۱۱۰
- خیار سیم: خیار شرط ۱۱۱
- مسأله اولی: ابتدای خیار شرط بلافاصله بعد از صیغه گفتن است ۱۱۲
- مسأله دوم: جواز شرط مشورت با دیگری ۱۱۲
- مسأله سیم: خیار شرط در هر عقدی ثابت می‌شود ۱۱۳
- مسأله چهارم: تصرف خریدار در مبیع باعث برطرف شدن خیار شرط او می‌شود ۱۱۴
- مسأله پنجم: لازم نیست که مدت خیار به عقد متصل باشد ۱۱۶
- مسأله ششم: جایز است که فروشنده شرط کند که هرگاه در مدت معینی قیمت را رد کند، مبیع را پس بگیرد ۱۱۶
- مسأله هفتم: اگر شرط کنند که در مدت معینی خیار داشته باشند که بعضی از آنچه خرید و فروش شده است را رد کنند ۱۱۷
- مسأله هشتم: هرگاه مبیع پیش از رد کردن به خریدار تلف شود ۱۱۷
- مسأله نهم: جواز دخول به کنیز در مدت خیار شرط ۱۱۹

- مسأله دهم: هرگاه در زمان خيار زيادتي و نفعي در مبيع حاصل شود..... ۱۲۱
- مسأله يازدهم: هرگاه شخصي در زمان خيار فوت كند..... ۱۲۱
- خيار چهارم: خيار غبن..... ۱۲۱
- مسأله اولي: مدعي غبن بايد از اهل خيرت نباشد..... ۱۲۲
- مسأله دوم: وقتي غبن ثابت مي شود كه زياده و نقصاني در معامله شده باشد..... ۱۲۲
- مسأله سيم: معنای فوري بودن خيار غبن..... ۱۲۳
- مسأله چهارم: هرگاه ديگري بگويد مقداري كه نقصان است را جبران مي كنم..... ۱۲۴
- مسأله پنجم: شقوقي كه خيار غبن ثابت شود، اما خريدار يا فروشنده تصرف کرده باشند..... ۱۲۴
- خيار پنجم: خيار تاخير..... ۱۳۰
- مسأله اولي: هرگاه خريدار بعد از سه روز قيمت را نياورد و به فروشنده ندهد..... ۱۳۱
- مسأله دوم: هرگاه پيش از گذشتن سه روز، بعضي از مبيع يا قيمت گرفته شود..... ۱۳۱
- مسأله سيم: هرگاه فروشنده يا خريدار در عرض سه روز همه قيمت يا مبيع را بگيرد..... ۱۳۱
- مسأله چهارم: هرگاه فروشنده در عرض سه روز، قيمت مبيع را از مال خريدار بدست آورد..... ۱۳۲
- مسأله پنجم: هرگاه بعد از سه روز، پيش از آنكه فروشنده معامله را فسخ كند، خريدار قيمت را به او بدهد..... ۱۳۲
- مسأله ششم: هرگاه فروشنده بعد از سه روز مطالبه قيمت را بكند، خيار برطرف نمي شود..... ۱۳۲
- مسأله هفتم: هرگاه خريدار قيمت را به فروشنده ندهد..... ۱۳۲
- مسأله هشتم: هرگاه مبيع در پيش فروشنده تلف شود در عرض مدت سه روز..... ۱۳۳
- مسأله نهم: هرگاه كسي چيزي بخرد كه در يك روز ضايع و نابود شود..... ۱۳۳
- خيار ششم: خيار رؤيت..... ۱۳۳
- مسأله اولي: چيزي كه به وصف فروخته شود، بايد فروشنده همه صفتهای آن را بيان كند..... ۱۳۴
- مسأله دوم: خيار رؤيت فوري است..... ۱۳۵
- مسأله سيم: جايز نيست متبايعان در ضمن العقد نبودن اين خيار را شرط كنند..... ۱۳۵
- مسأله چهارم: هرگاه فروشنده جنس معيني را خود ندیده باشد و به وصف به مشتري بفروشد، و بعد از ديدن معلوم شود بهتر و بالاتر است..... ۱۳۵
- مسأله پنجم: هرگاه فروشنده و خريدار جنس معيني را ندیده باشند و به وصف فروخته شود، و بعد از آن معلوم شود در بعضي صفات بهتر و در بعضي بدتر است..... ۱۳۶

- مسألة ششم: هرگاه خریدار بعضی از جنس را دیده باشد و بعضی را ندیده باشد..... ۱۳۶
- مسألة هفتم: اگر معلوم شود که جنس فروخته شده به وصف متفاوت است، خریدار فقط خیار فسخ دارد..... ۱۳۶
- مسألة هشتم: شرط بازگرداندن جنسی بعد از یک مدت..... ۱۳۷
- مسألة نهم: شرط دادن عوض در صورت متفاوت بودن جنس فروخته شده به وصف..... ۱۳۷
- مسألة دهم: هرگاه خریدار ادعا کند که فروشنده گفته صفت دیگر هم در مبیع هست..... ۱۳۸
- خیار هفتم: خیار عیب..... ۱۳۸
- مسألة اولی: هرگاه اهل خبرت در قیمت اختلاف کنند..... ۱۳۹
- مسألة دوم: چند موضع است که خیار عیب ساقط می شود..... ۱۴۴
- مسألة سیم: هرگاه قبل از آنکه خریدار جنس را بگیرد، عیبی در آن بوده و بعد از گرفتن نیز عیبی دیگر حاصل شود..... ۱۴۵
- مسألة چهارم: هرگاه معلوم شود که مبیع پیش از گرفتن عیب دار بود، اما خریدار در آن تصرفی کرده باشد..... ۱۴۵
- مسألة پنجم: هرگاه دو جنس را بر روی هم بخرد و بعد معلوم شود که یکی عیب دار است..... ۱۴۶
- مسألة ششم: هرگاه دو نفر به شراکت چیزی بخرند و بعد معلوم شود که عیب دار است..... ۱۴۶
- مسألة هفتم: هرگاه معلوم شود که عیب پیش از گرفتن، در آن جنس یا قیمت بوده است..... ۱۴۶
- مسألة هشتم: هرگاه در زمان وجود عیب در مبیع، میان فروشنده و خریدار اختلاف شود..... ۱۴۷
- مسألة نهم: استثنای یک مورد از مسألة چهارم..... ۱۴۷
- مسألة دهم: هرگاه مبیع عیبی داشته باشد، منت است که خریدار را مطلع کند..... ۱۴۸
- مسألة یازدهم: هرگاه خریدار مطلع بر عیب بشود و مع ذلك مبیع را رد نکند..... ۱۴۸
- مسألة دوازدهم: هرگاه کسی بنده ای را بخرد که به مجرد خریدن بر او آزاد شود..... ۱۴۸
- مسألة سیزدهم: دو موضعی که هرگاه مبیع عیب دار بود، خریدار نمی تواند ازش بگیرد..... ۱۴۸
- مسألة چهاردهم: کسی که خیار دارد، ولو دیگری حاضر نباشد، می تواند معامله را فسخ کند..... ۱۴۹
- مسألة پانزدهم: هرگاه خریدار به سبب عیب خرید و فروش را فسخ کند و از وقت صیغه تا زمان فسخ، منافعی در آن حاصل شده باشد..... ۱۴۹
- مسألة شانزدهم: عیبی که سبب خیار می شود..... ۱۵۰
- مسألة هفدهم: هرگاه کسی کنیزی بخرد به شرط باکره بودن، اما معلوم شود اینطور نیست..... ۱۵۲

.....	خيار هشتم: خيار تدليس	۱۵۳
.....	خيار نهم: خيار شركت	۱۵۵
.....	خيار دهم: خيار تعذر تسليم	۱۵۶
.....	فصل نهم: در شروطی كه در ضمن العقد خريد و فروش شرط كرده می شود	۱۵۷
.....	مسأله اولی: شرط ضمن العقد و شرایط آن	۱۵۷
.....	مسأله دوم: شرط انتفاع نبردن خريدار از مبيع	۱۵۹
.....	مسأله سيم: اگر شرطی بكنند كه آدمی قادر بر وفا كردن آن نباشد	۱۵۹
.....	مسأله چهارم: اگر شرط كنند كه اگر مبيع غصب یا تلف شد، فروشنده قيمت را پس بدهد	۱۵۹
.....	مسأله پنجم: جایز است كه شرط كنند كه یکی از طرفین به دیگری پولی به قرض بدهد	۱۶۰
.....	مسأله ششم: هرگاه کسی جنسی را به قيمتی غير واقعی بفروشد	۱۶۰
.....	مسأله هفتم: اگر کسی مبلغي از دیگری طلب داشته باشد، و جنسی را به قيمتی بالاتر به او بفروشد و شرط کند كه تا مدتی آن قرض را از او نگیرد	۱۶۱
.....	مسأله هشتم: اگر جنسی را به قيمت معینی بخرد و مقداری از قيمت را به فروشنده بدهد و معامله را منوط به آوردن بقیه بگذارد	۱۶۲
.....	مسأله نهم: هرگاه معامله را نسیه بگذارند و شرط رهن گذاشتن چیزی كنند	۱۶۲
.....	مسأله دهم: جایز است كه کسی چیزی را به نسیه بفروشد و مبيع را به رهن قيمت بگیرد	۱۶۳
.....	مسأله یازدهم: هرگاه چیزی را به شرط رهن بفروشد، باید برای رهن صیغه علی حده بگوید	۱۶۳
.....	مسأله دوازدهم: فروش جنس به وعده معین و شرط ضمانت شخصی ثالث	۱۶۳
.....	مسأله سیزدهم: هرگاه در ضمن العقد شرط كنند كه خريدار همان جنس را به فروشنده بفروشد	۱۶۳
.....	فصل دهم: در ربا و احكامی كه متعلق به اوست	۱۶۵
.....	مسأله اولی: تعريف ربا و شرایط تحقق آن	۱۶۶
.....	مسأله دوم: ربا در جنس مكیل و موزون است	۱۶۸
.....	مسأله سيم: ضابطه در هم جنس بودن مبيع و قيمت	۱۶۹
.....	مسأله چهارم: فروختن جنسی كه مكیل یا موزون باشد، بدون زیاده مانعی ندارد	۱۷۱
.....	مسأله پنجم: گوشت بز و میش يك جنس است	۱۷۱

- مسألة ششم: بیه و گوشت دو جنس اند ۱۷۳
- مسألة هفتم: جایز است فروختن روغن کنجد به روغن گردو و یا به روغن بادام ۱۷۳
- مسألة هشتم: جایز نیست فروختن سرکه انگور به سرکه انگور دیگر، با زیادتی ۱۷۴
- مسألة نهم: صورت های مختلف فروختن دو هم جنسی که مکیل یا موزون باشند ۱۷۴
- مسألة دهم: هرگاه جنسی مکیل یا موزون، به جنسی مکیل یا موزون غیر آن فروخته شود ۱۷۵
- مسألة یازدهم: فروختن جنسی که مکیل یا موزون باشد به جنس غیر مکیل یا موزون ۱۷۶
- مسألة دوازدهم: فروختن دو جنس مکیل و موزون غیر هم جنس ۱۷۶
- مسألة سیزدهم: در معامله دو جنس مکیل یا موزون، تبادل مبیع و ثمن در مجلس شرط نیست ۱۷۶
- مسألة چهاردهم: خرید و فروش ربوی باطل است و ردیادتی واجب است ۱۷۷
- مسألة پانزدهم: حکم نسیه فروختن و قرض دادن دو جنس همانند مکیل یا موزون ۱۷۸
- مسألة شانزدهم: فروختن جنس مکیل یا موزون به آنچه از آن به عمل آید ۱۷۸
- مسألة هفدهم: هرگاه دو چیز در حکم یک جنس باشند، اما داد و ستد یکی به پیمانانه باشد و دیگری به کشیدن ۱۸۰
- مسألة هیجدهم: هر چیزی که عمل آمده باشد از دو جنس ربوی، جایز است که آن چیز را به آن دو جنس بفروشیم ۱۸۰
- مسألة نوزدهم: در آب و خاک و سنگ و چوب ربایی نمی باشد ۱۸۱
- مسألة بیستم: جایز نیست فروختن هر جنس خشکی به تر از او ۱۸۱
- مسألة بیست و یکم: فروختن کنجد به روغن او و بزَرک به روغن او ۱۸۲
- مسألة بیست و دوم: جایز نیست فروختن گوشت حیوانی به همان حیوان ۱۸۲
- مسألة بیست و سیم: جایز است فروختن بیست مثقال طلا و بیست مثقال نقره به چهل مثقال طلا یا نقره ۱۸۲
- مسألة بیست و چهارم: آیا ربا فقط در خرید و فروش می باشد؟ ۱۸۳
- مسألة بیست و پنجم: هر جنسی که در او ربا باشد، خوب و بد آن یک جنس است ۱۸۳
- مسألة بیست و ششم: برخی از حیل های ربا ۱۸۴
- مسألة بیست و هفتم: ربا در میان پدر و فرزند نیست ۱۸۴
- مسألة بیست و هشتم: ربا در میان شوهر و زن نمی باشد ۱۸۵
- مسألة بیست و نهم: ربا در میان آقا و بنده نمی باشد ۱۸۵
- مسألة سی ام: در میان مسلمان و کافر حربی ربا نمی باشد، به شرطی که زیادتی را مسلمان نگیرد ۱۸۵

فصل یازدهم: در خرید و فروش صرف	۱۸۶
مسأله اولی: شرایط فروختن طلا به طلا، یا نقره به نقره، یا احدهما به دیگری	۱۸۶
مسأله دوم: اگر در بیع صرف هیچ یک از دو جنس در مجلس گرفته نشوند، باطل است	۱۸۷
مسأله سیم: آیا اگر در صرف پیش از جداشدن دو جنس تبادل نشود، گناه هم کرده اند؟	۱۸۷
مسأله چهارم: هرگاه در صرف بعضی از دو جنس را در مجلس رد و بدل کنند	۱۸۸
مسأله پنجم: هرگاه دو نفر معامله صرف کنند و صیغه بگویند، اما برای دادن و گرفتن وجه وکیل تعیین کنند	۱۸۹
مسأله ششم: هرگاه کسی از دیگری چند مثقال نقره بخرد و پیش از آنکه آن نقره را بگیرد، به همان نقره از او چند مثقال طلا بخرد	۱۸۹
مسأله هفتم: هرگاه زید از عمرو چند مثقال نقره طلب داشته باشد و به آن نقره از او چند مثقال طلا بخرد	۱۹۰
مسأله هشتم: شرایط خرید و فروش پارچه طلا و نقره و غیر آن	۱۹۰
مسأله نهم: فروختن نقره ای که مغشوش باشد و خالص نباشد	۱۹۱
مسأله دهم: فروختن خاک نقره به نقره خالص	۱۹۴
مسأله یازدهم: جایز است فروختن مس و برنج و قلع به طلا یا نقره	۱۹۴
مسأله دوازدهم: خرید و فروش با پولی که نقره خالص نباشد	۱۹۵
مسأله سیزدهم: جایز است فروختن طلا و نقره بر روی هم به طلا و نقره دیگر با هم	۱۹۶
مسأله چهاردهم: فروختن ظروفی که از طلا و نقره با هم ساخته باشند، به طلا و نقره	۱۹۶
مسأله پانزدهم: فروختن یراق و اسبابی که طلا کاری یا نقره کاری باشد	۱۹۶
مسأله شانزدهم: بدل کردن یک درهم نقره خالص به یک درهم نقره شکسته به شرط ساختن انگشتی	۱۹۷
مسأله هفدهم: فروختن بیست مثقال نقره خالص به مغشوش، به شرطی که خریدار عملی برای او بکند	۱۹۸
مسأله هیجدهم: اگر زید به عمرو انگشتی بدهد که بسازد، و شرط کنند که زید بیست مثقال نقره از عمرو بگیرد و بیست مثقال نقره بهتر به او بدهد	۱۹۸
مسأله نوزدهم: اگر پنج مثقال نقره به نصف اشرفی فروخته شود، آیا می توان اشرفی را نصف کرد	۱۹۹
مسأله بیستم: هرگاه زید بیست مثقال نقره بفروشد به عمرو به یک اشرفی معینی، الا یک مثقال نقره	۲۰۰
مسأله بیست و یکم: هرگاه کسی چیزی بفروشد به دیگری به پول طلا یا نقره معینی	۲۰۱
مسأله بیست و دوم: هرگاه زید پول نقره یا طلای معین حاضری از عمرو بخرد به پولی دیگر، و بعد معلوم شود نقره و طلا نیست	۲۰۱

- مسأله بیست و سیم: هرگاه زید پول طلا یا نقره معینی حاضری از عمرو بخرد به پولی دیگر و بعد معلوم شود عیب دارد..... ۲۰۲
- مسأله بیست و چهارم: آنچه مذکور شد در مسأله بیست و دوم و بیست و سیم در صورتی است که پول فروخته شده در ذمه نباشد..... ۲۰۳
- مسأله بیست و پنجم: هرگاه زید اشرفی معینی بفروشد به عمرو به اشرفی معینی، و بعد معلوم شود که اشرفی عمرو در وزن زیادتر است از اشرفی زید..... ۲۰۴
- مسأله بیست و ششم: هرگاه کسی مبلغ پول معینی از دیگری به عنوان قرض بگیرد و در موعد دادن، ارزش آن پول ها زیادتر یا کمتر شده باشد..... ۲۰۵
- مسأله بیست و هفتم: جایز است که زید قدر معینی پول طلا یا نقره ولایتی را به عمرو به قرض بدهد و شرط کند که پول ولایت دیگری را به او پرداخت کند..... ۲۰۵
- مسأله بیست و هشتم: هرگاه زید مبلغ معینی از عمرو طلب داشته باشد، و قدری را اسقاط کند و بقیه را حال بگیرد..... ۲۰۶
- مسأله بیست و نهم: هرگاه کسی به زرگری بگوید که انگشتری برای من بساز و مقدار نقره آن را و مزد تو را به تو می دهم..... ۲۰۶
- مسأله سی ام: فروختن ذمه به آنچه بر ذمه دیگری است..... ۲۰۶
- مسأله سی و یکم: هرگاه زید چند عدد اشرفی از عمرو طلب داشته باشد و به عوض آن اشرفی ها به دفعات پول از عمرو بگیرد..... ۲۰۷
- مسأله سی و دوم: اقسام خرید و فروش صرف..... ۲۰۷
- اول: فروختن عین به عین..... ۲۰۷
- دوم: فروختن ذمه به ذمه..... ۲۰۷
- سیم: فروختن عین به ذمه..... ۲۰۸
- مسأله سی و سیم: جایز نیست فروختن نخ نقره به پول نقره یا به نقره دیگر..... ۲۰۸
- مسأله سی و چهارم: حیل های خرید و فروش صرف..... ۲۰۸
- فصل دوازدهم: در خرید و فروش نقد و نسیه و احکامی که متعلق به اوست..... ۲۱۱
- مسأله اولی: اقسام خرید و فروش به اعتبار تعجیل یا تأخیر در مبیع و قیمت..... ۲۱۱
- قسم اول: هر دو معجل باشند..... ۲۱۱

- قسم دوم: مبیع معجل باشد و ثمن مؤجل ۲۱۱
- قسم سیم: خریدار قیمت را فی الحال بدهد، اما مبیع مؤجل باشد ۲۱۱
- قسم چهارم: هر یک از مبیع و قیمت مؤجل باشند ۲۱۲
- مسألة دوم: هرگاه کسی جنسی را به دیگری مطلق بفروشد ۲۱۲
- مسألة سیم: در خرید و فروش نسیه باید مدت قابل زیاده و نقصان نباشد ۲۱۲
- مسألة چهارم: هرگاه کسی جنسی به نسیه بفروشد، اما تا مدت نسیه به سر می آید آن جنس را ندهد ۲۱۳
- مسألة پنجم: هرگاه کسی جنسی بفروشد، به یک تومان نقد و به دو تومان نسیه ۲۱۳
- مسألة ششم: خریدن مجدد جنس فروخته شده به نسیه، پیش از سر آمدن مدت آن ۲۱۴
- مسألة هفتم: فروختن جنس خریداری شده به نسیه، به فروشنده، پس از پایان مدت ۲۱۴
- مسألة هشتم: در خرید و فروش نسیه، فروشنده نمی تواند پیش از سر آمده مدت، مطالبه قیمت آن را کند ۲۱۵
- مسألة نهم: هرگاه کسی حقی در ذمه دیگری داشته باشد، جایز نیست که آن را تأخیر بیاورد تا مدتی، به شرط اینکه زیادتر بگیرد ۲۱۶
- مسألة دهم: فروختن بخشی از یک جنس به نقد و بخشی به نسیه ۲۱۷
- مسألة یازدهم: هر چیزی که ممکن باشد تحصیل او در وقت فروختن او، جایز است فروختن آن به دیگری به صورت نقد ۲۱۷
- مسألة دوازدهم: هرگاه کسی جنسی را به نسیه بخرد و بخواهد آن را به مراحه به دیگری بفروشد ۲۱۷
- فصل سیزدهم: در قبض و تسلیم و احکامی که متعلق به اوست ۲۱۸
- مسألة اولی: قبض و تسلیم در هر جنسی به نحوی است علی حده ۲۱۹
- مسألة دوم: هرگاه مبیع قبل از قبض تلف شود ۲۲۰
- مسألة سیم: هرگاه مبیع قبل از تسلیم عیبی به هم رساند ۲۲۱
- مسألة چهارم: هرگاه قبل از تسلیم، مبیع مزوج شود به غیر خود ۲۲۱
- مسألة پنجم: هرگاه کسی چند چیز بر روی هم بفروشد و پیش از تسلیم، بعضی از آنها تلف شود ۲۲۲
- مسألة ششم: لازم است که فروشنده، مبیع را بی مانع تسلیم مشتری کند ۲۲۲
- مسألة هفتم: اگر قبل از تسلیم مبیع به مشتری، کسی آن را غصب کند، خریدار باید آن را از غاصب پس بگیرد ۲۲۳
- مسألة هشتم: فروختن جنسی که مکمل یا موزون باشد، قبل از قبض از مشتری، مکروه است ۲۲۴

مسألة نهم: هرگاه زید جنسی از عمرو به سلف خریده باشد و بکر مثل آن را از زید به سلف خریده باشد، جایز است که زید حواله کند که بکر از عمرو بگیرد ۲۲۴

مسألة دهم: هرگاه زید جنسی به سلف به عمرو بفروشد و عمرو آن را مطالبه کند، جایز است که زید عوض آن جنس را به او بدهد ۲۲۵

مسألة یازدهم: هرگاه زید جنسی را به عنوان سلف از عمرو طلب داشته باشد، جایز است که به او پول بدهد که آن را بجای طلب خود بخرد ۲۲۵

مسألة دوازدهم: هرگاه زید چیزی به عمرو به قرض داده باشد و عمرو همان چیز را به بکر به قرض داده باشد ۲۲۵

مسألة سیزدهم: هرگاه زید جنس معینی را به عمرو بفروشد به جنس معینی دیگر، و عمرو پیش از تسلیم عوض، مبیع را به دیگری بفروشد، و عوض نیز قبل از تسلیم تلف شود ۲۲۵

مسألة چهاردهم: فروختن جنسی که به عنوان سلف خریده شده است، قبل از قبض ۲۲۶

مسألة پانزدهم: فروختن قیمت (عوض) قبل از قبض جایز است ۲۲۶

مسألة شانزدهم: حکم مطالبه قرض در شهری دیگر ۲۲۶

مسألة هفدهم: هرگاه کسی جنسی را خواسته باشد بخرد و دیگری به او بگوید مراد در آنچه می‌خری شریک کن ۲۲۷

فصل چهاردهم: در اقسام خرید و فروش به اعتبار خبر دادن به رأس المال ۲۲۸

قسم اول: تولیه ۲۲۹

قسم دوم: مرابحه ۲۲۹

مسألة اولی: کسی که جنسی را به مرابحه می‌فروشد، باید اول رأس المال را معلوم کند که چقدر است ۲۲۹

مسألة دوم: اگر از یک عنوان پول چند نوع موجود باشد، باید نوع آن در مرابحه مشخص باشد ۲۳۰

مسألة سیم: هرگاه کسی متاعی بخرد و خواسته باشد از رأس المال خبر بدهد ۲۳۰

مسألة چهارم: هرگاه کسی جنسی را به قیمت معینی بخرد و بعد از آن ارش بگیرد، و بعد خواسته باشد آن را به رأس المال بفروشد ۲۳۱

مسألة پنجم: هرگاه بنده‌ای که جنایتی کرده را بخواهد به رأس المال بفروشد ۲۳۱

مسألة ششم: در مرابحه مکروه است که ربح را نسبت به اجزاء رأس المال بدهد ۲۳۲

مسأله هفتم: اگر در ضمن عقد یا قبل آن شرط کنند که فروشنده مجدداً متاع را از خریدار بخرد.....	۲۳۲
مسأله هشتم: هرگاه بعد از فروختن متاع، معلوم شود که فروشنده رأس المال را زیاده‌تر گفته است.....	۲۳۳
مسأله نهم: هرگاه زید بعد از بیان مقدار رأس المال، خود اقرار کند که آن کمتر است.....	۲۳۴
مسأله دهم: هرگاه متاعی را که می‌خواهد به مایه بفروشد، مقداری از قیمت را تخفیف گرفته باشد.....	۲۳۴
مسأله یازدهم: فروختن جنس به مایه توسط دلال.....	۲۳۵
مسأله دوازدهم: هرگاه چند جنس را بر روی هم به یک صیغه خریده باشد، و بخواهد بعضی از آن را به مایه بفروشد.....	۲۳۶
مسأله سیزدهم: هرگاه جنسی را که می‌خواهد به مایه بفروشد، نسبه خریده بود.....	۲۳۷
قسم سیم: مواضع.....	۲۳۷
قسم چهارم: تشریک.....	۲۳۸
فصل پانزدهم: در حکم اختلافاتی که در میان فروشنده و خریدار واقع می‌شود.....	۲۳۹
صورت اولی: آنکه فروشنده و خریدار اختلاف در قدر قیمت کنند.....	۲۴۰
صورت دوم: آنکه بعد از فسخ قرارداد و رجوع خریدار، در قیمت اختلاف کنند.....	۲۴۲
صورت سیم: آنکه اختلاف کنند در قدر مبیع.....	۲۴۲
صورت چهارم: آنکه بعد از آنکه خریدار مبیع بگیرد، بگوید آن را کم کشیده‌ای.....	۲۴۲
صورت پنجم: آنکه فروشنده و خریدار اختلاف کنند در نقد و نسبه.....	۲۴۲
صورت ششم: آنکه در خرید و فروش نسبه، اختلاف در قدر مدت کنند.....	۲۴۳
صورت هفتم: آنکه خریدار و فروشنده اختلاف کنند در اشتراط رهن.....	۲۴۳
صورت هشتم: آنکه یکی ادعای امری بکند که باعث فساد آن خرید و فروش شود.....	۲۴۴
صورت نهم: آنکه خریدار و فروشنده اختلاف در تعیین مبیع کنند.....	۲۴۴
صورت دهم: آنکه ورثه فروشنده و خریدار با یکدیگر ادعا کنند.....	۲۴۵
فصل شانزدهم: در خرید و فروش سلف.....	۲۴۶
گفت وگویی اول: در تعریف سلف و در صیغه او.....	۲۴۶
گفت وگویی دوم: در شروط سلف.....	۲۴۷
شرط اول: تعیین صفات جنس مسلم فيه.....	۲۴۸

- شرط دوم: پیش از جدا شدن متبایعان، قیمت رای به فروشنده بدهد. ۲۵۰
- شرط سیم: اگر جنسی که به سلف فروخته، مکیل یا موزون باشد، وزن و کیل آن معلوم باشد. ۲۵۱
- شرط چهارم: باید مدت سلف مدتی معینی باشد که قابل زیاده و نقصان نباشد. ۲۵۲
- مسئله اولی: مدت سلف، باید برای فروشنده و خریدار معلوم باشد. ۲۵۲
- مسئله دوم: فرقی نمی‌کند که مدت در سلف کم یا زیاد باشد. ۲۵۳
- مسئله سیم: هرگاه کسی جنس را در اول ماه به سلف بفروشد که بعد از یک ماه بدهد. ۲۵۳
- مسئله چهارم: هرگاه جنسی رای به سلف بفروشد که در جمادی بدهد. ۲۵۳
- مسئله پنجم: هرگاه مدت سلف از وقت صیغه باشد تا فلان ماه. ۲۵۴
- شرط پنجم: باید جنسی که به سلف فروخته می‌شود، در سر موعد عام الوجود باشد. ۲۵۴
- گفت و گوی سیم: در احکامی که متعلق است به سلف. ۲۵۶
- مسئله اولی: آیا در صحت سلف تعیین موضع تسلیم شرط است؟ ۲۵۶
- مسئله دوم: جایز نیست فروختن جنسی که به سلف خریده و هنوز مدت او تمام نشده باشد. ۲۵۶
- مسئله سیم: هرگاه طرفین در ضمن العقد موضع تسلیم را شرط کنند. ۲۵۶
- مسئله چهارم: هرگاه وعده برسد و فروشنده میباید همان صفتی که شرط کرده بیاورد، خریدار باید آن را قبول کند. ۲۵۷
- مسئله پنجم: هرگاه بعد از تسلیم میباید، خریدار ببیند که آن معیوب است. ۲۵۷
- مسئله ششم: هرگاه کسی جنسی رای به سلف بفروشد به قیمت معینی که حاضر باشد. ۲۵۷
- مسئله هفتم: هرگاه در سلف قیمت او را هم بگیرد، اما در زمان تحویل قیمت اختلاف کنند. ۲۵۸
- مسئله هشتم: هرگاه مدت سلف تمام شود و ممکن نشود که فروشنده میباید را تسلیم نماید. ۲۵۹
- مسئله نهم: جایز است که شرط مباحی که مخالف شرع نباشد، در ضمن العقد سلف شرط شود. ۲۶۰
- مسئله دهم: هرگاه فروشنده و خریدار اختلاف کنند در رسیدن وعده. ۲۶۰
- مسئله یازدهم: هرگاه فروشنده خریدار در نوع جنس سلف اختلاف کنند. ۲۶۰
- فصل هفدهم: در اقاله. ۲۶۱
- مسئله اولی: صیغه فارسی که باید در فسخ معامله گفت. ۲۶۱
- مسئله دوم: جایز نیست که در فسخ شرط کنند که فروشنده قیمت را زیادتر پس بدهد. ۲۶۱
- مسئله سیم: در صورت رضایت طرفین، فسخ همه یا بعضی از معامله جایز است. ۲۶۲

مسأله چهارم: اگر معامله فسخ شود، اجرت دلال ساقط نمی‌شود.....	۲۶۲
مسأله پنجم: هرگاه فسخ معامله را بکنند، باید هر یک مال خود را پس بگیرند.....	۲۶۳
مسأله ششم: هرگاه هنگام فسخ، در مبيع زیادتی و نماء به هم رسیده باشد.....	۲۶۳
مسأله هفتم: هرگاه بعد از فسخ معامله، فروشنده عوض آن جنس معین، جنس دیگر بگیرد.....	۲۶۴

باب دوم: قرض و دین و احکامی که متعلق به اوست

فصل اول: در ذکر بعضی از اخباری که در ثواب قرض دادن و کراهت و ناخوشی دین داشتن وارد شده است.....

۲۶۸

فصل دوم: در صیغه قرض.....

۲۷۲

فصل سیم: در بیان آنکه قرض دادن چه جنسی جایز است و چه جنسی جایز نیست.....

۲۷۳

فصل چهارم: در احکامی که متعلق است به قرض.....

۲۷۵

مسأله اولی: چگونگی مالک شدن قرض گیرنده در جنسی که قرض می‌گیرد.....

۲۷۵

مسأله دوم: اگر در قرض شرط کنند که قرض گیرنده چیزی زیاده‌تر بدهد، حرام است.....

۲۷۵

مسأله سیم: وفا کردن قرض دهنده به زمان شرط شده در ضمن العقد قرض واجب نیست.....

۲۷۶

مسأله چهارم: گرفتن رهن از قرض گیرنده جایز است.....

۲۷۷

مسأله پنجم: کم یا زیاد شدن پول نزد قرض گیرنده دخلی به قرض دهنده ندارد.....

۲۷۷

مسأله ششم: هرگاه کسی جنسی را بر سبیل تخمین به دیگری به قرض بدهد.....

۲۷۷

مسأله هفتم: سنت است از برای قرض گیرنده که قرض دهنده را از حال خود با خبر کند.....

۲۷۸

مسأله هشتم: حکم مطالبه قرض در غیر موضعی که داده شده است.....

۲۷۸

مسأله نهم: هرگاه بعداً معلوم شود که جنس قرض داده شده، عیب‌دار است.....

۲۷۸

فصل پنجم: در احکامی که متعلق است به مطلق دین.....

۲۷۹

مسأله اولی: واجب است که قرض کننده یا آن که سلف می‌فروشد یا مالی را نسبه می‌کند، نیت ادا داشته

باشد.....

۲۷۹

- مسأله دوم: کسی که از شخصی مفقود الخیر، بر ذمه‌اش دینی باشد، باید نیت ادا داشته باشد. ۲۸۰
- مسأله سیم: جایز نیست قسمت کردن دین ۲۸۱
- مسأله چهارم: هرگاه کسی عوض دین، چند عدد پارچه یا جنسی دیگر که قیمت نکرده بدهد ۲۸۱
- مسأله پنجم: هرگاه پیش از تمام شدن مدت دین، دائن بمیرد، آن دین حال می‌شود. ۲۸۲
- مسأله ششم: دین یا مؤجل است یا حال ۲۸۲
- مسأله هفتم: هرگاه کسی دینی بفروشد که مکمل یا موزون باشد ۲۸۵
- مسأله هشتم: آنچه علامه حلی درباره فروختن دین گفته است ۲۸۶
- مسأله نهم: کسی که مالی از دیگری طلب داشته باشد و نتواند از او بگیرد ۲۸۶
- مسأله دهم: کسی که طلب از دیگری داشته باشد، سنت است که با او مدارا کند. ۲۸۶
- مسأله یازدهم: کسی که طلب از شخصی داشته باشد که آن شخص معسر باشد ۲۸۶
- مسأله دوازدهم: هرگاه کسی بمیرد و بر ذمه او دینی باشد و هیچ چیز از او باقی نباشد ۲۸۶
- مسأله سیزدهم: اگر دائن فقیر باشد، سنت است که طلبکار او را ابراء کند. ۲۸۷
- مسأله چهاردهم: هرگاه دائن فقیر باشد و نتواند فقرش را اثبات کند و طلبکار تشدد کند، می‌تواند دین خود را انکار کند. ۲۸۷
- مسأله پانزدهم: هرگاه کسی مالی از غایب طلب داشته باشد و در پیش حاکم شرع اثبات طلب خود را بکند. ۲۸۷

باب سیم: مضاربه

- فصل اول: در معنای مضاربه و در صیغه او ۲۹۱
- معنای مضاربه ۲۹۱
- صیغه مضاربه ۲۹۲
- فصل دوم: در شروط مال مضاربه ۲۹۴
- شرط اول: باید مال مضاربه پول نقره یا پول طلا باشد. ۲۹۴
- شرط دوم: باید مال مضاربه «عین» باشد و «دین» نباشد. ۲۹۵
- شرط سیم: مال مضاربه باید معلوم باشد از حیثیت قدر و صفت. ۲۹۵
- شرط چهارم: باید مال مضاربه در دست عامل باشد. ۲۹۶

- مسئلهٔ اولی: هرگاه عامل نتواند در همهٔ پول معامله کند و در بعضی از آن بتواند ۲۹۶
- مسئلهٔ دوم: هرگاه کسی مالی را از دیگری غصب کند و بعد صاحب مال به او بگوید با آن مال برای من به مضاربه کار کن ۲۹۶
- مسئلهٔ سیم: هرگاه کسی متاعی به دیگری بدهد و بگوید: این متاع را بفروش و با پول آن به مضاربه کار کن ۲۹۷
- مسئلهٔ چهارم: هرگاه مالک فوت شود آن مضاربه بر هم می خورد ۲۹۷
- مسئلهٔ پنجم: هرگاه عامل بدون اذن مالک مال مضاربه را با مالی دیگر مخلوط کند ۲۹۷
- فصل سوم: در احکامی که متعلق است به عملی که عامل می کند ۲۹۸
- مسئلهٔ اولی: حصه‌ای که عامل از انتفاع می برد به سبب عملی است که می کند ۲۹۸
- مسئلهٔ دوم: مخارج عامل از اصل مال است نه از انتفاع ۲۹۹
- مسئلهٔ سیم: هرگاه با عامل شرط کند که در موضع معینی مضاربه کند ۳۰۰
- مسئلهٔ چهارم: هرگاه با عامل شرطی نکند و مطلق گذارد ۳۰۰
- مسئلهٔ پنجم: هرگاه مالک با عامل شرط کند که در مضاربه نوعی خاصی از معامله را بکند ۳۰۱
- مسئلهٔ ششم: اگر در عقد مضاربه شرط نشده باشد که عامل به چه نحو مال را بفروشد ۳۰۲
- مسئلهٔ هفتم: در صورت مطلق وا گذاشتن عقد، جایز نیست که عامل چیزی را به نسیه بخرد ۳۰۲
- مسئلهٔ هشتم: آیا در صورت مطلق بودن عقد، عامل باید به پول رایج خرید و فروش کند؟ ۳۰۳
- فصل چهارم: در شروط و احکامی که متعلق است به ربح ۳۰۴
- مسئلهٔ اولی: در ربح چهار امر شرط است تا آن مضاربه صحیح باشد ۳۰۴
- مسئلهٔ دوم: هرگاه کسی جنسی غیر پول بدهد که مضاربه کنند، آن مضاربه باطل است ۳۰۵
- مسئلهٔ سیم: هرگاه شرط کنند که قدر مشخصی از ربح برای یکی باشد و تتمهٔ میان آنها مشترک باشد ۳۰۶
- مسئلهٔ چهارم: هرگاه کسی پولی بدهد به دیگری و بگوید: به این پول مضاربه کن و ربح آن در میان من و تو خواهد بود ۳۰۶
- مسئلهٔ پنجم: هرگاه کسی پولی به دیگری بدهد که به مضاربه کار کند و بگوید: مضاربه کن به شرط اینکه نصف ربح از تو باشد ۳۰۶
- مسئلهٔ ششم: صحیح نیست که حصه‌ای از ربح را برای شخصی اجتنبی قرار بدهند ۳۰۷

مسألة هفتم: صحیح است و فرقی نیست که مالک به عامل بگوید: نصف ربح این مال از تو، یا ربح نصف مال از تو..... ۳۰۷

مسألة هشتم: جایز است که عامل در مضاربه متعدّد باشد..... ۳۰۷

مسألة نهم: هرگاه کسی در مرض موت، مالی به دیگری بدهد که مضاربه کند، صحیح است..... ۳۰۷

مسألة دهم: هرگاه کسی دو بیست تومان پول که از هم جدا باشند را به دیگری بدهد و بگوید به این پول‌ها مضاربه کن، به شرطی که ربح این بیست تومان از من و ربح آن از تو باشد..... ۳۰۸

فصل پنجم: در احکامی چند که متعلّق است به مضاربه..... ۳۰۹

مسألة اولی: ربح وقایه رأس المال مضاربه است..... ۳۰۹

مسألة دوم: عامل امین است..... ۳۱۱

مسألة سیم: هرگاه مالک فوت شود، مضاربه بر هم می‌خورد و مال منتقل به ورثه او می‌شود..... ۳۱۱

مسألة چهارم: آنچه بعد از فسخ مضاربه اتفاق می‌افتد..... ۳۱۱

مسألة پنجم: حکم آنکه عامل با شخص دیگری مضاربه کند..... ۳۱۲

مسألة ششم: جایز نیست که مالک چیزی از پولی که به عامل می‌دهد را از او بخرد..... ۳۱۳

مسألة هفتم: هرگاه ربح مضاربه تقد شود و عامل یا مالک درخواست قسمت آن را کنند..... ۳۱۳

مسألة هشتم: هرگاه پیش از حصول ربح مقداری از پول مضاربه تلف شود..... ۳۱۴

مسألة نهم: اگر مالک بخواهد مقداری از مال و ربح به ازای آن را پس بگیرد..... ۳۱۶

مسألة دهم: جایی که مضاربه فاسد باشد، به مجرد اذن مالک تصرف عامل صحیح است..... ۳۱۷

فصل ششم: در اختلافاتی که در میان مالک و عامل روی می‌دهد..... ۳۱۸

مسألة اولی: هرگاه مالک و عامل اختلاف کنند در قدر رأس المال مضاربه..... ۳۱۸

مسألة دوم: هرگاه عامل ادعا کند که قدری از مال تلف شده یا نقصان کرده است..... ۳۱۸

مسألة سیم: اختلاف عامل و مالک در نصیب ربح عامل..... ۳۱۹

مسألة چهارم: اختلاف در اینکه آیا مالک برای مضاربه مالی با زید داده است یا خیر..... ۳۱۹

مسألة پنجم: اختلاف در آنچه عامل خریده، که آیا از مال مضاربه است یا از مال خودش..... ۳۱۹

مسألة ششم: اختلاف در اینکه عامل مال را به مالک رد کرده یا خیر..... ۳۱۹

مسألة هفتم: اختلاف در اینکه مالی که مالک داده آیا برای مضاربه بوده یا قرض..... ۳۲۰

- مسأله هشتم: هرگاه در مال نقصانی به هم رسیده و در مضاربه یا قرض بودن مال اختلاف کنند ۳۲۰
- مسأله نهم: هرگاه مالک ادعای منع از خرید فلان متاع کند و عامل آن را انکار کند ۳۲۰
- مسأله دهم: هرگاه عامل ادعا کند که مالک اذن داده که مال را به نسیه بفروشم و مالک انکار کند ۳۲۰

باب چهارم: شرکت

- فصل اول: تعریف شرکت و سبب شرکت و اقسام او ۳۲۳
- اسباب شرکت ۳۲۳
- اقسام شرکت ۳۲۴
- اقسام شرکت به اعتباری دیگر ۳۲۵
- فصل دوم: در احکام و مسائلی که متعلق است به شرکت ۳۲۷
- مسأله اولی: انواع شرکت از حیث نسبت سرمایه و شرط کار کردن شرکا ۳۲۷
- مسأله دوم: حکم تصرف هر یک از شرکا در مال شراکت ۳۲۸
- مسأله سیم: شرکت عقدی است جایز و هر یک در هر زمان می تواند آن را فسخ کند ۳۲۹
- مسأله چهارم: حکم آنچه در دست شریک تلف شود ۳۲۹
- مسأله پنجم: هرگاه مالی در میان دو نفر بالسویه مشترک باشد و یکی اذن بدهد که دیگری با آن کار بکند ۳۲۹
- مسأله ششم: اگر یکی از دو شریک مدعی شود که متاعی را از مال خود خریده است و دیگری بگوید از مال شراکت خریده‌ای ۳۳۰
- مسأله هفتم: هرگاه یکی از شرکا متاعی از مال شراکت را بفروشد و با خریدار در دادن قیمت آن اختلاف کند ۳۳۰
- مسأله هشتم: هرگاه دو شریک مقداری از قیمت متاعی که در آن شریک هستند را بگیرند ۳۳۳
- مسأله نهم: اختلاف یک از شرکا با خریدار در اینکه مال برای خود اوست یا شرکت است ۳۳۳
- مسأله دهم: در موضعی که شراکت باطل است، خرید و فروش شرکا صحیح است ۳۳۴
- مسأله یازدهم: حکم جایی که چند نفر شریک شوند که زراعت کنند و شرط کنند که تخم از یکی و زمین از دیگری و منافع بالسویه باشد ۳۳۴
- مسأله دوازدهم: هرگاه یکی از شرکا فوت شود، شراکت باطل می شود ۳۳۴
- مسأله سیزدهم: یکی از شرکا نمی تواند مال شراکت را بدون اذن دیگران ببخشد ۳۳۵
- مسأله چهاردهم: مکروه است که مسلمانان با اهل ذمه شریک شوند ۳۳۵

- فصل سیم: قسمت ۳۳۶
- مسأله اولی: هرگاه یکی از دو شریک خواهش قسمت بکند و دیگری راضی نباشد ۳۳۶
- مسأله دوم: طریقه تقسیم کردن مال شراکت، هرگاه بنا بر قسمت شود ۳۳۶
- مسأله سیم: طریقه قرعه زدن در تقسیم مال شراکت ۳۳۷

باب پنجم: وکالت

- فصل اول: تعریف وکالت و در صیغه او و آنچه متعلق است به صیغه ۳۴۱
- مسأله اولی: تعریف وکالت ۳۴۱
- مسأله دوم: صیغه وکالت و ویژگی آن ۳۴۱
- مسأله سیم: وکالت عقدی است جایز ۳۴۲
- مسأله چهارم: در صحت وکالت شرط است که معلق و موقوف به شرطی و وقتی نباشد ۳۴۲
- مسأله پنجم: هرگاه موکل یا وکیل فوت شوند یا دیوانه شوند، وکالت باطل می شود ۳۴۳
- مسأله ششم: حکم آنکه کسی دیگری را در امری وکیل مطلق خود کند ۳۴۳
- مسأله هفتم: هرگاه کسی دیگری را وکیل مطلق کند در خرید و فروش ۳۴۴

- فصل دوم: در بیان اینکه وکالت در چه امری جایز و در چه امری جایز نیست ۳۴۷

- فصل سیم: در شروطی که باید در موکل باشد و در باقی آنچه متعلق به اوست ۳۴۹
- مسأله اولی: شرایط موکل ۳۴۹
- مسأله دوم: موکل شدن بنده، هرگاه از جانب آقای خود مأذون در تجارت کردن باشد ۳۴۹
- مسأله سیم: موکل شدن وکیل در همان امری که وکیل شده است ۳۵۰
- مسأله چهارم: اگر پدر و جد کسی را در امور طفل وکیل کنند ۳۵۰
- مسأله پنجم: مکروه است که صاحبان شرف و ارباب مناصب جلیله، خود متوجه دعوی و منازعه شوند. ۳۵۰

- فصل چهارم: در شروطی که در وکیل معتبر است و آنچه متعلق به اوست ۳۵۱
- مسأله اولی: وکیل باید بالغ و عاقل باشد ۳۵۱

مسأله دوم: جایز است که زن وکیل شود در طلاق دادن زنی دیگر.....	۳۵۱
مسأله سیم: صورت‌های مختلف وکیل یا موکل شدن مسلمان و اهل ذمه.....	۳۵۱
مسأله چهارم: اگر وکیل از آنچه موکل با او شرط کرده است تجاوز کند.....	۳۵۲
مسأله پنجم: هرگاه وکیل متاع را در غیر بازاری که موکل گفته بفروشد.....	۳۵۳
مسأله ششم: هرگاه موکل شرط کند که وکیل متاع را به فلان شخص بفروشد.....	۳۵۴
مسأله هفتم: هرگاه موکل به وکیل بگوید که فلان متاع را به عین بخر.....	۳۵۴
مسأله هشتم: اگر کسی را وکیل کنند که محاکمه کند.....	۳۵۴
مسأله نهم: هرگاه کسی دو نفر را در خصوص امری وکیل کند.....	۳۵۵
مسأله دهم: هرگاه زید به عمرو بگوید که تو را وکیل کردم در گرفتن فلان قدر حق من از بکر و بکر فوت شود.....	۳۵۵
مسأله یازدهم: هرگاه زید بر ذمه عمرو دینی داشته باشد، جایز است که زید عمرو را وکیل کند که به آن دین برای او متاعی بخرد.....	۳۵۵
مسأله دوازدهم: سنت است که وکیل صاحب بصیرت باشد در امری که وکیل در آن شده است.....	۳۵۶
فصل پنجم: در آنچه وکالت در او ثابت می‌شود.....	۳۵۷
فصل ششم: در مسائلی و احکامی چند که متعلق است به وکالت.....	۳۵۸
مسأله اولی: وکیل امین است و آنچه در دست او تلف شود ضامن نیست.....	۳۵۸
مسأله دوم: چگونگی اثبات وکالت از جانب شخصی.....	۳۵۸
مسأله سیم: هرگاه کسی دیگری را وکیل کند و اذن بدهد به او که دیگری را هم وکیل کند.....	۳۶۰
مسأله چهارم: هرگاه موکل مطالبه مال خود را که در دست وکیل است بکند.....	۳۶۰
مسأله پنجم: هرگاه کسی در دست او مالی از غیر باشد، می‌تواند آن را به صاحبش ندهد تا بر آن شاهد بگیرد.....	۳۶۱
مسأله ششم: تفاوت میان جایی که شخصی را برای گرفتن طلب وکیل کند و جایی که شخص را برای سپردن امانت وکیل کند و آن وکیل شاهی نگیرد.....	۳۶۱
مسأله هفتم: ضمان وکیل هرگاه در مال موکل تقصیری بکند، یا خلاف گفته او بکند.....	۳۶۲
مسأله هشتم: جایز است که موکل اذن به وکیل بدهد که مال او را از برای خود بخرد.....	۳۶۲

- مسأله نهم: اگر وکیل جنسی را از برای موکل خود بخرد، فروشنده مطالبه قیمت را از چه کسی می‌کند..... ۳۶۲
- مسأله دهم: حکم شهادت وکیل در حق موکل..... ۳۶۳

فصل هفتم: در اختلافات و منازعاتی که در میان وکیل و موکل واقع می‌شود..... ۳۶۴

- مسأله اولی: هرگاه میان وکیل و موکل در اصل وکالت اختلاف شود..... ۳۶۴
- مسأله دوم: هرگاه وکیل ادعا کند که فلان قدر از مال تلف شده است و موکل رد کند..... ۳۶۴
- مسأله سیم: هرگاه موکل ادعا کند بر وکیل که تو تقصیر یا خیانت کرده‌ای و او انکار کند..... ۳۶۴
- مسأله چهارم: هرگاه وکیل ادعا کند که فلان قدر مال به موکل دادم و موکل انکار کند..... ۳۶۴
- مسأله پنجم: هرگاه وکیل ادعای تصرف بکند و موکل انکار کند..... ۳۶۵
- مسأله ششم: هرگاه وکیل ادعا کند که فلان جنس را از برای خود یا وکیل خریده‌ام و موکل برعکس بگوید..... ۳۶۵
- مسأله هفتم: هرگاه زید به وکالت، زنی از برای عمرو تزویج کند و عمرو آن وکالت را انکار کند..... ۳۶۵
- مسأله هشتم: هرگاه وکیل و موکل در مقدار مبلغی که او را وکیل کرده فلان متاع را به آن بخرد، اختلاف کنند..... ۳۶۶
- مسأله نهم: هرگاه وکیل و موکل در نوع متاعی که وکیل باید می‌خریده، اختلاف کنند..... ۳۶۶
- مسأله دهم: هرگاه کسی دیگری را وکیل کند که فلان جنس را از برای او بخرد و در قیمت آن اختلاف کنند..... ۳۶۶
- مسأله یازدهم: هرگاه کسی دیگری را در گرفتن فلان قرض وکیل کند و وکیل بگوید گرفته‌ام و موکل انکار کند..... ۳۶۶
- مسأله دوازدهم: هرگاه در صفت و کیفیت وکالت فروختن متاعی میان وکیل و موکل اختلاف شود..... ۳۶۷
- مسأله سیزدهم: صورت‌های مختلف جایی که وکیل جنسی خریده باشد و خرید او از برای موکل باطل باشد..... ۳۶۹

باب ششم: حواله

- فصل اول: در تعریف حواله و در شروطی که متعلق به اوست..... ۳۷۵
- مسأله اولی: تعریف حواله..... ۳۷۵
- مسأله دوم: صیغه حواله..... ۳۷۵

- مسأله سیم: آیا راضی بودن محیل و محتال و محال علیه شرط صحت حواله است؟ ۳۷۶
- مسأله چهارم: اگر زید عمرو را حواله کند که مبلغی از بکر بگیرد، اما طلبی از بکر نداشته باشد ۳۷۷
- مسأله پنجم: هرگاه عمرو طلبی از زید داشته باشد و زید او را حواله کند که از دیگری بگیرد، قبول آن حواله بر عمرو واجب نیست ۳۷۷
- مسأله ششم: هرگاه بر ذمه عمرو مالی از زید باشد و عمرو زید را حواله کند که آن مال را از بکر بگیرد و زید هم راضی بدان حواله باشد ۳۷۸
- مسأله هفتم: تعریف و حکم تسلسل و دور در حواله ۳۷۸
- مسأله هشتم: هرگاه دینی از عمرو بر ذمه زید باشد و همان قدر دین از زید بر ذمه دو نفر باشد ۳۷۹
- مسأله نهم: هرگاه زید مالی از بکر طلب داشته باشد و زید عمرو را حواله کند که آن مال را از بکر بگیرد و پیش از آن، خود زید مال را به بکر بدهد ۳۷۹
- مسأله دهم: معلوم بودن مالی که حواله می شود، شرط صحت حواله است ۳۷۹
- مسأله یازدهم: در صحت حواله شرط است که حق در ذمه محیل ثابت باشد ۳۷۹

فصل دوم: در بعضی از احکام حواله ۳۸۱

- مسأله اولی: اگر زید طلبکار خود را حواله کند که طلبش را از بکر که بدهکار زید است بگیرد ۳۸۱
- مسأله دوم: هرگاه در فرض مسأله اول، بکر ادعا کند که زید طلبی از او نداشته ۳۸۱
- مسأله سیم: اگر میان زید و عمرو اختلاف شود در وکالت گرفتن مال به عوض طلب و عدم آن ۳۸۲
- مسأله چهارم: هرگاه پیش از آنکه قیمت را فروشنده از بکر به حواله خریدار بگیرد، معلوم شود که جنس عیب دار است ۳۸۳
- مسأله پنجم: هرگاه زید جنسی از عمرو بخرد و او را حواله کند که قیمت را از بکر بگیرد و عمرو خالد را حواله کند که آن قیمت را بگیرد، و زید به سبب عیب آن جنس را به عمرو رد کند ۳۸۳

باب هفتم: صلح

- مسأله اولی: تعریف صلح ۳۸۷
- مسأله دوم: صلح عقدی است لازم ۳۸۸
- مسأله سیم: جایز است صلح با اقرار و انکار ۳۸۸
- مسأله چهارم: مصالحه ای که جایز نیست ۳۸۹

- مسأله پنجم: اگر هر یک از دو طرف مصالحه مقدار مال را ندانند مصالحه جایز است ۳۸۹
- مسأله ششم: مصالحه دو شریک در هنگام فسخ شراکت در اینکه یکی از ایشان نفع و ضرر نداشته باشد ۳۸۹
- مسأله هفتم: هرگاه بعد از مصالحه معلوم شود که یکی از دو مال حق غیر است ۳۸۹
- مسأله هشتم: هرگاه زید ادعای بر عمرو بکند و به جنسی معینی مصالحه کنند و بعد معلوم شود که آن جنس عیب دار است ۳۹۰
- مسأله نهم: هرگاه کسی بر دیگری ادعای عینی داشته باشد، جایز است مصالحه به عین یا منفعت کند ۳۹۰
- مسأله دهم: آیا حکم صرف و ربا در مصالحه جاری می شود ۳۹۱
- مسأله یازدهم: اگر کسی مال دیگری را تلف کند و به بیشتر از قیمت آن مال مصالحه کنند ۳۹۲
- مسأله دوازدهم: هرگاه زید و عمرو ادعای جنسی به بکر بکنند و بکر یکی را تصدیق کند و حصه او را مصالحه کند ۳۹۲
- مسأله سیزدهم: هرگاه بعد از مصالحه، بدهکار اقرار کند که دیگری بیشتر از او طلب داشته است ۳۹۳
- مسأله چهاردهم: هرگاه زید بر عمرو ادعای خانه بکند و عمرو منکر باشد، جایز مصالحه کنند که زید مدعی مدت معینی در آن خانه ساکن باشد ۳۹۴
- فهرست منابع و مآخذ ۳۹۵